

مربع المعارف



علیرضا دانش پڑوه

مربع المعارف

علیرضا دانش پڑوه

شعر

چاپ اول: آذر ۱۳۸۹

نشر الکترونیک سایت ادبی عروض

تمام حقوق این اثر برای مولف محفوظ است

شماره‌ی کتاب: (۳۷)

صندوق پستی: Info@Arooz.com

WWW.AROOZ.COM

مربع المعارف
(اندر مناقب بی رثال ایرانی)

علیرضا دانش‌پژوه

با احترام به (میدان‌های مغناطیسی) آندره برتون که تنها یکی از سه قطره خونی بود، که از بینی جغد می‌چکید.

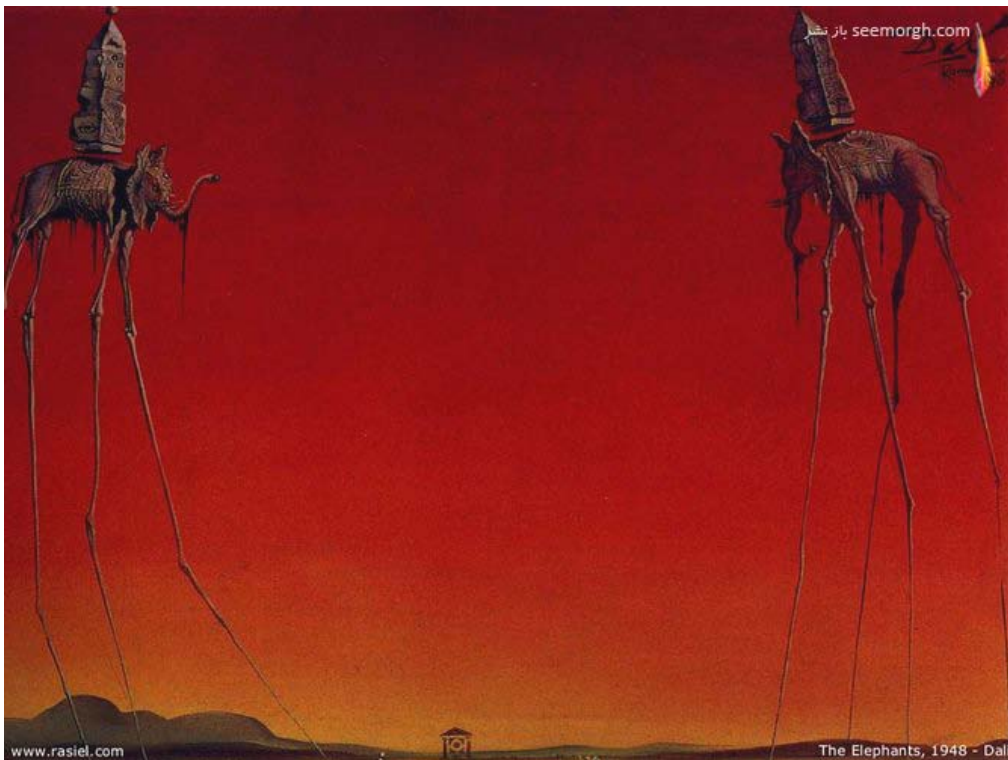
تقدیم به فرزانه‌گانی که شهاب‌الدین را از سمت شهاب می‌خوانند!

قلمدان چیست؟

جرقه‌ای از بینایی جغد

روی عاج فیلی

در تاریکی.



لاله چیست؟

گونه‌ی دست یار

اگر گود باشد.



گوش ماهی چیست؟

خواب سندباد

روی بالش کشتی

زیر لحاف دریا.



پاک کن چیست؟

جای پای ابرها

روی میز.



سبد چیست؟

رنده رنده می‌ریزد انگشت، دختر
لای غروب و غیاب و تنهایی.



نم روی کوزه از چیست؟

در حمام

مادر

مرا آبستن است.



سرفه چیست؟

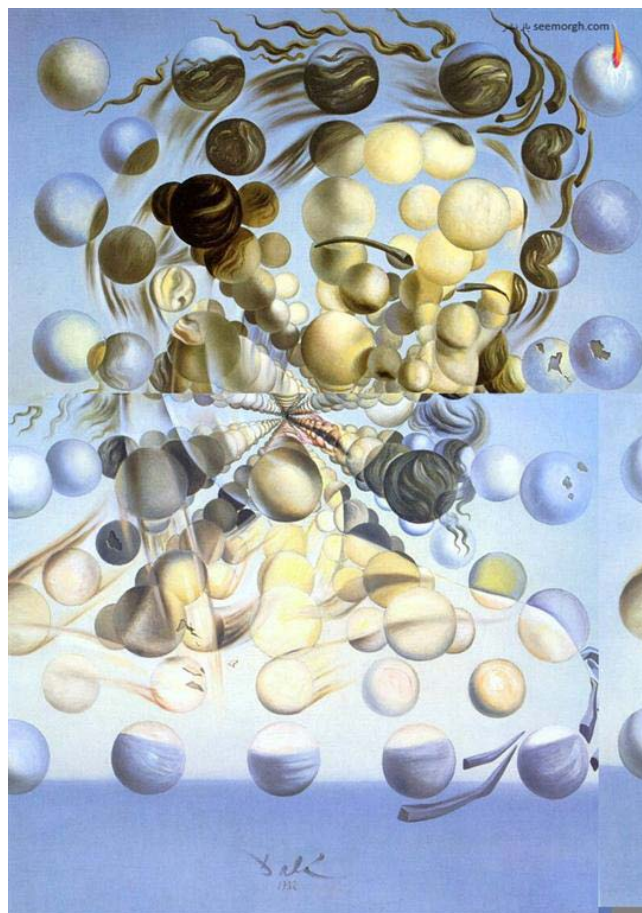
صدایی که از خود
گِله دارد.



هوا چیست؟

مگس

در آلبوم خالی.



چای چیست؟

در آینه‌ی تاریک
یک خیال قاچاری.



گبه چیست؟

خون بس

بین مرد و کوه و گیوه.



شمع چیست؟

عرق

روی گونه‌ی مادر

لیز می‌خورد.



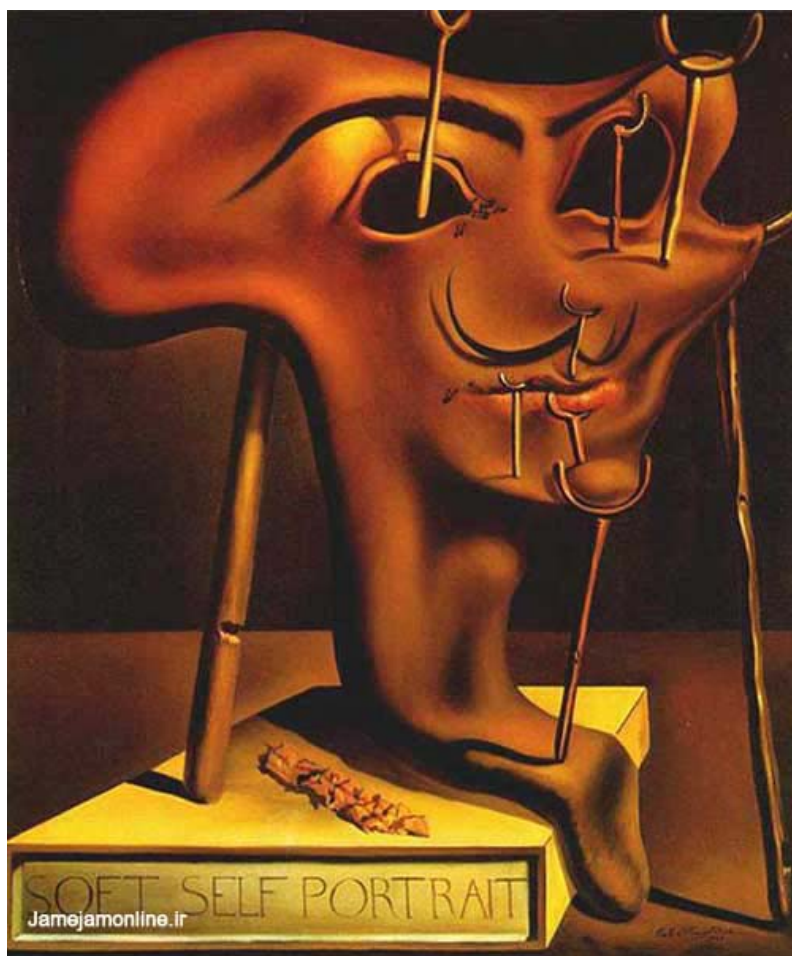
شعله چیست؟

دلشوره در نگاه.



زندادان چيست؟

در آبگرمکن دیواری
فلوتش را پر از آب می کند
آوازه خوان غمگین.



سکوت چیست؟

چهارستون ساده‌ی رومی

و سقفی که زیر آن هنوز

روی ماموت

برف می‌بارد.



زهر چیست؟

در بوسه‌ی یار

لبخند مار.



سوراخ بالای رف

یک

نمی‌دانم تا چه اندازه نشانیدن این سخنان درشت، در کنار این متاع ناچیز، که خود فارغ از هیاهو می‌خندد، درست باشد. شاید من هم برای او می‌نویسم.

دو

... برای من، معنا، ماهیتی هم پیشینی و هم پسینی (مقدر) دارد، که حدوث آن از حیثه‌ی اختیار و دیکتاتوری مولف بیرون است. درست به همین دلیل است که در هر پیچش قلم، می‌خندد.

سه

هر مخاطبی، در برابر پنجره یا فرم اثر، آنچه را که به اندازه‌ی خواست خودآگاه و اختیار ناخودآگاه خود مختار اوست، از آنسوی پنجره‌ی اثر، به درون می‌کشد. البته پنجره‌ی اثر لرزان است و به تناسب تداعی‌های مخاطب جا باز کرده و سلطه‌ی بضاعت مولف را هر چند گسترده باشد می‌درد.

چهار

نتیجه، ترکیبی می‌شود از مناسبات به خواب رفته، تاریک و کهن، میان مخاطب و هستی، با جرقه‌ی اثر در این تاریکی، که تداعی‌های دیگری را از درون یا از ورای بیرون، به خودآگاه مخاطب می‌راند.

پنج

هایدگر، ۱۹۳۸، فرایبورگ : ((سرآغاز عصر جدید، تسخیر جهان به منزله‌ی تصویر است.))
نه من و نه هایدگر هیچکدام پیشگو نیستیم، اما من تصور می‌کنم، سرآغاز عصر جدید، عصر سکوت معرفتی غرب، هبوط به تصویر، فقدان ابژه، و عصر بیداری انسان به منزله‌ی (امکان/تقدیر) خواهد بود، بال اسب‌های آرزو، مومی‌ست.

شش

منزلت تصویر در کثرت و مصرف است. تصویر در خواب و رویا هم اگر کارکرد جبرانی نداشت، مهمل بود. تصویر در بازنمود و خصوصا در تکثیر، هم کارکرد خود را از دست می‌دهد، و هم عملکرد تخریبی دارد. یعنی ارتباط میان فرد و آنچه را که پیش از این به آن راهنما بود، چنان محو می‌کند که برقراری دوباره‌ی آن محتاج آفرینشی شاعرانه است.

هفت

پیشنهاد (مربع المعارف) به جای (دایرة المعارف)، دست و پا زدن در چارچوب چسبناک مدرنیته‌ای است که در پی تعریف و وضوح بی‌خطر و طبقه‌بندی همه چیز است. چنان که اگر چیزی تن به تعریف بی‌خطر ندهد، در پروژهای رمززدایی از جهان، چون جادوگران قرون وسطی زنده زنده سوزانده می‌شود تازه اگر تروریست نباشد!

هشت

شعر، واژه‌ها را، از مرداب فرهنگ لغات بیرون می‌کشد و روی اقیانوسی، که سطح آن را ارتباط دال‌ها تشکیل می‌دهد، هم می‌زند، تا ارتباط سطح (دال‌ها) با عمق (کران تا بیکران معنا و حضور پیشینی و پسینی) تازه به تازه و نو به نو شود. رمان و داستان و نثر، در روی دیگر سکه‌ی آفرینش، همواره در کار مصرف و شستن هستند و واژه را به جای تغییر به زندگی کردن وا می‌دارند تا غروب، که باز شاعر و غواص و داستان سرای امروزی، انتظارش را می‌کشند.

نه

در اینکه اثر آنسوی رف در چه قالبی است و چه وجهی غالب است و غلبه از آن کیست، هرچه باشد آن من نیست.

ده

نوشته‌ها را خوانده‌ام همه، اما روانم تشنه‌ی واژگانی‌ست که با خون نوشته شده باشند. نیچه